

گفت‌وگوی «جوان» با دبیر مجمع طراحان انقلاب اسلامی

## نهیضت پوسترهای انقلاب در سرتاسر ایران شبکه‌سازی می‌کند

■ معصومه طاهری

زبان هنر، زبان گویا و همه‌فهمی است که نیاز به ترجمه ندارد و قدرت انتقال بالایی دارد، در همین رابطه سراغ یک هنرمند گرافیبست رفتیم که تاکنون فعالیت زیادی در این زمینه داشته است. مجتبی مجلسی، طراح، مدرس و ایده‌پرداز گرافیک، مدیر هنری است که سابقه دبیری مجمع طراحان گرافیک انقلاب اسلامی، مدیریت هنری انتشارات آرسا و گروه فرهنگی هنری مسک، دبیر جشنواره ملی پوستر رضوی، دبیر مجمع طراحان گرافیک انقلاب اسلامی (آیه) و همچنین مدیر هنری دو ماهنامه هابیل و فصلنامه دریچه را در کارنامه دارد. وی همچنین دبیر فراخوان کشوری پوستر «خط سرخ» ۱۳۹۵، دبیر فراخوان کشوری پوستر ترازوی انسانی در غزه ۱۳۹۳، دبیر رویدادهای پوستر و تبلیغات شهری جشنواره بین‌المللی مقاومت در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۳۹۷ و دبیر جشنواره ملی پوستر رضوی ۱۳۹۹ نیز بود است. گفت‌وگوی «جوان» با این هنرمند را می‌خوانید.

داشته باشند و الا منظر می‌شوند. به نظر می‌رسد هنرمند گرافیبست برای موفقیت در کار باید روابط عمومی خوبی هم داشته باشد.

باید یاد بگیرند تا از هنر خود درآمدزایی کنند، ما همین‌را هم آموزش می‌دهیم تا هنرمند ماهیگیری بیاموزد و محتاج نباشد، البته قبول دارم خیلی از مدیوم‌ها برای رسیدن به خروجی و تولید محصول



مراکز انقلابی و هیئت‌ها به این‌هاور رسیده‌اند که باید هزینه کنند و همین پستتر کار هنرمندان انقلابی را باز تر کرده است و امروز کمتر در ددل و گلابه هنرمندان گرافیبست را می‌شنویم که از مساک را ایگن می‌خواهند و حمایت نمی‌شویم...

حذف در کارش می‌شود.

چرا هنرمندان تجربی به نسبت توان‌تر از هنرمندان آکادمیک هستند؟

این هم برمی‌گردد به همان اصلی که ابتدا عرض کردم، یعنی موضوع نیاس. به نظر من اغلب افرادی که در رشته آکادمیک هنری هستند، هیچ نیازی به کار کردن ندارند و تنها مدرک برای‌شان مهم است، در حالی که هنرمند تجربی خود را نیازمند به آموزش می‌داند تا یاد بگیرد و بتواند کار کند و نبود مدرک دانشگاهی را جبران کند. این اتفاق برای خیلی‌ها رخ داده و همین باعث رشد آنها می‌شود؛ کاری که گاهی از یک مسجد یا روزنامه دیواری شروع می‌شود، بنابراین تعداد گرافیبست‌های تجربی خیلی بیشتر از گرافیبست‌های آکادمیک است و موفق‌تر هم هستند. کشور یک فضای رقابتی ناخواسته است که اغلب افراد در رشته‌ای که نمی‌خواهند پذیرفته می‌شوند نه از روی میل و علاقه، لذا به نوعی ورود به این هنر برای بعضی‌ها ناخواسته است. از سوی دیگر در دانشگاه بیشتر مطالب نظری آموزش داده می‌شود و فردی که مدرک می‌گیرد، اعتمادبه‌نفسی کاذب از مدرک خود پیدا می‌کند، وقتی هم که فارغ‌التحصیل می‌شود، خود را بی‌نیاز از آموزش می‌داند، چون معتقد است مدرک دارد، در حالی که یک هنرجوی تجربی همیشه نیاز به یادگیری و به‌روزربودن دارد تا عقب نماند.

آیا در این رابطه هنرمند تجربی با دانشگاه همکاری دارد؟

سعی شده است این تعامل دوطرفه صورت بگیرد، یعنی هنرمند تجربی و دانشگاهی باهم باشند، ولی دانشگاه فضای خودشی را دارد. فضای دانشگاهی مهندسی و آکادمیک در آموزش است که به راحتی قابل اصلاح نیست، با وجود این تلاشی می‌کنیم این ارتباط تقویت پیدا کند.

پیشنهاد شما در این ارتباط چیست؟

بچه‌های دانشگاه در جمع‌های ما شرکت می‌کنند و در کنار درس‌های آکادمیک خود اینجا هم آموزش می‌بینند. ما تلاش می‌کنیم در بیرون از محیط دانشگاهی یک فضای خوب و دوستانه‌ای برای هر دو گروه در آموزش ایجاد کنیم تا بر تجربه و توان آنها افزوده شود.

از مشکلات فعالان هنری عرصه انقلابی، این است که بازار کار ندارند، این مشکل را چگونه حل کردید؟

خوشبختانه فضا به نسبت قبل خیلی بهتر شده است و مراکز انقلابی و هیئت‌ها به این باور رسیده‌اند که باید هزینه کنند و همین بستر کار هنرمندان انقلابی را بازتر کرده است و امروز کمتر در ددل و گلابه هنرمندان گرافیبست را می‌شنویم که از مساک را ایگان می‌خواهند و حمایت نمی‌شویم... البته گرافیبست‌ها به نسبت سایر هنرمندان مستقل‌تر هستند، چون هزینه‌های آنها زیاد بالا نیست که حتماً نیاز به حامی مالی

و در سیستان و بلوچستان گروه جم شکل گرفته است و ان‌شاءالله در سایر استان‌ها هم به زودی شاهد تشکیل چنین گروه‌های انقلابی هنری خواهیم بود که به هم‌افزایی و رشد کار کمک می‌کند، مثلاً در اهواز گروه خاندنگار کارهای بزرگ و خوبی حتی برای کشورهای همسایه انجام می‌دهد، در حالی که قبلاً اینگونه نبود و تمرکز و تجمع کار فقط در تهران بود اما در این چند سال شاهد گستردگی و پراکندگی خوبی در سایر استان‌ها هستیم که تمرکز در تهران را از بین برده و این جای امیدواری است.

فضای مجازی هم در این روند تأثیر داشته است؟

بله، قطعاً فضای مجازی بستر شتاب‌دهنده و تسهیل‌کننده خیلی خوبی بوده که به این روند کاری سرعت زیادی داده است.

بنیان شبکه‌سازی را چه کسی را ایجاد کرد؟

استاد محمدرضا میری از بنیانگذاران مشهوری بود که بسیار در تثبیت و گسترش کار تأثیر داشت و به ما هم کمک زیادی کرد.

ان مجموعه در چه شرایطی است؟

گسترده شده است و در تمام کشور شبکه‌های هنری زیادی ایجاد شده و زیر نظر استاد نجابتی فعالیت می‌کنند.

به نظر شما شاخص‌ترین طراح در کشور چه کسی است؟

من علاقه شخصی و حرفه‌ای زیادی برای استاد نجابتی قائل هستم و همیشه سعی کرده‌ام از ایشان یاد بگیرم، چون هنرمند گرافیبست توانایی است که علاوه بر گرافیک در حوزه خوشنویسی هم کار می‌کند و در نشانه‌نوشتری بسیار عالی است. در زمینه‌های نظری و آموزش و پوستر هم انصافی خیلی حرف برای گفتن دارد.

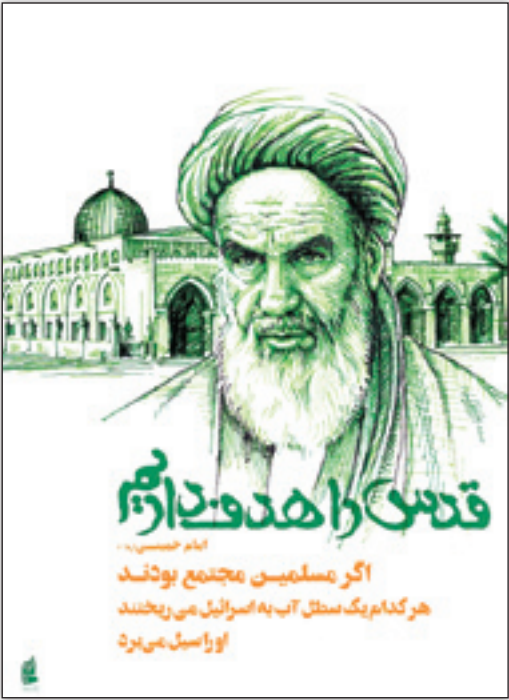
یکی از کارهای جالبی که اخیراً هم باب شده دیوارنگاری میدان ولیعصر تهران است؛ تصاویری گویا با برد ملی و حتی بین‌المللی، نظر شما چیست؟

بله، این شیوه کار را بچه‌های ما هم در نهیضت پوسترهای انقلاب کار کرده‌اند و هر بار یکی از هنرمندان غیرتهرانی در این حوزه ورود دارد. از بچه‌های اصفهان، اهواز، مشهد هستند و همین نشان‌دهنده تمرکززایی از تهران است که برای کل کشور جریان دارد. چرا دیوارنگاره اصفهان جای مناسبی ندارد؟

در اصفهان دیوارنگاره پازلی در مقایسه با میدان ولیعصر تهران کار خوبی است که سعی دارد زشتی‌های برج جهان‌نما را بگریزد؛ ساختنی که مدیرش اصلاً به اصفهان و فضای تاریخی آن توجهی نکرده بود، اصفهانی‌ها به حلال و حرام خیلی توجه دارند، زمین این برج را قبلاً به نام فضای سبز به اجبار از صاحبان آن خریده بودند، ولی به جای فضای سبز، یک پاساژ بزرگ ساختند که معماری خیلی مدرن و ناهمگونی با محیط تاریخی و سنتنی آنجا دارد، برای همین با وجود صرف هزینه بالا امروز از پاساژهای ساکت و کم‌رونق است و با اقبال عمومی مردم و کاسبان مواجه نشده است. دیوارنگاره اصفهان جلوی این ساختمان قرار گرفته تا دیوار این پاساژ ناهمگون را بپوشاند و به نوعی از سر اجبار در این مکان است، والا نباید دیوارنگاره در هر جایی باشد و جایگاه و مکان دیوارنگاره خیلی مهم است. در واقع جلایمی دیوارنگاره خیلی اهمیت دارد. وضعیت دیوارنگاری در سایر شهرها چگونه است؟ خوشبختانه شهرهای دیگر هم به این سمت و سوس می‌روند تا دیوارنگاری اصلی با ابعاد خیلی بزرگ در شهرشان داشته باشند، قبلاً این دغدغه و مشکل وجود داشت که چطور دیوارنگاره را پر کنند و سوزه داشته باشند اما امروز مشکلی برای تقدیه کار ندارند و قطعاً تولیدات زیادی برای دیوارنگاره داریم.

کدام طرح خودتان را بیشتر دوست دارید؟

من خیلیی از کارهایم را دوست دارم اما همیشه نسبت به کارهای آخرم حس و حال بهتری دارم، چون یک مدت با آن زندگی می‌کنم.



گفت‌وگوی «جوان»

با کارگردان نمایش «اهمیت ارنست بودن»

## ارزش کار هنرمند ایجاد حس خوب در مردم است

چیدری: صمیمانه از هنرمندان عزیز تقاضا دارم

فضای لازم و زمینه را برای زنده نگه‌داشتن تئاتر فراهم کنند

■ محمدصادق عابدینی

در روزهایی که بخشی از فعالیت‌های هنری به دلیل فضای منفی روانی ایجادشده در شبکه‌های اجتماعی، متوقف شدند در حوزه تئاتر و هنرهای نمایشی، هنرمندان بخش خصوصی، فضای ایجادشده را شکسته و با شروع مجدد فعالیت‌های خود، زمینه را برای بازگشت شرایط به حالت عادی فراهم کرده‌اند. اجرای نمایش «اهمیت ارنست بودن» که در دی و بهمن ماه روی صحنه رفت، یکی از این آثار بود. «اهمیت ارنست بودن» نمایشنامه‌ای نوشته اسکار وایلد است. مضمون اثر از موقعیت‌های ایجادشده از اشتباه گرفتن فردی به جای فرد دیگری شکل گرفته که همین داستان لحظه‌های طنزی را به اثر اضافه کرده است. در طراحی گریم و لباس کارا کترهای نمایش سعی شده است شبیهی آثار کلاسیک، این مقوله لحاظ شود. مهسا چیدری، طراح و کارگردان «اهمیت ارنست بودن» در گفت‌وگو با «جوان» به این نمایش و گذار جامعه هنری از فضای منفی ایجاد شده می‌پردازد.

نمایشنامه برای بنده این بود که متنی را انتخاب کنم که تا به امروز اجرائی عموم نرفته باشد و بتوانم به عنوان اولین نفر این کار را روی صحنه ببرم. نظر شخصی من بر این است که به خنده آوردن مردم کاری سخت و به ثمر نرساندن آن کاری ارزشمند است از این رو با کار کردن متن کمدی تلاش بر آن داشتم مردم را کمی از دغدغه‌های روزانه دور کنم و خنده و لب تماشاکر بیاورم.

در حوزه تولید متن نمایشی کمدی آیا در بین آثار ایرانی اثری قابل رقابت با متون خارجی داریم؟ حقیقتاً سبک نگارش، داستان و شخصیت‌پردازی‌ها تفاوت‌های اساسی نمایشنامه‌های ایرانی و خارجی است، از این رو مقایسه آنها کار دشواری است. متن‌های خارجی از نظر داستان و کمدی‌های استفاده‌شده ویژگی‌های خاصی خود را دارند و متن‌های ایرانی نزدیک به زندگی روزمره ما و قابل لمس‌تر برای تماشاکر ایرانی هستند.

در آما تئورژی به عنوان ایرانیزه کردن متن‌های خارجی چقدر در ایجاد پیوند بین تماشاکر ایرانی و نمایشنامه خارجی مؤثر است و حد این ایرانیزه کردن تا کجاست؟ یعنی تا چه حد می‌توان در متن اصلی دخل و تصرف کرد؟

به نظر من تبدیل کردن متن خارجی به ایرانی به جهت جلب توجه تماشاکر به هر قیمتی کار درستی نیست. نمایشنامه باید به صورتی تغییر پیدا کند که پایه و اساس متن جای خود را حفظ کند اما در عین حال قابل لمس و درک برای مخاطبان آن در دوره کونونی باشد. اصطلاحات و کلمات تغییر می‌یابد در اتمسفر نمایشنامه باشد و صرفاً به جهت خنده مخاطب نوشته نشده باشد.

به اجرا بپردازیم. بخش خصوصی چقدر در فضای تئاتر و اجرای نمایش‌ها سهم دارد؟

بخش خصوصی تئاتر در حال حاضر نقش بسزایی در هنرهای نمایشی دارد، در حال حاضر گروه‌های متعددی در سالن‌های مختلف تئاتر و در سالن‌های تمرین در حال اجرای نمایش و تمرین هستند. یقیناً تمام هنرمندان چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی در تالشدن چراغ تئاتر را روشن نگه دارند. این سهم می‌تواند باعث جریان‌سازی شود؟

قطعاً، خواه‌ناخواه بخش کثیری در هنرهای نمایشی کشور در بخش خصوصی در حال فعالیت هستند و همین موضوع طبیعتاً سبب جریان‌سازی‌هایی خواهد شد.

آیا بخش خصوصی می‌تواند به تنهایی رونق را به سالن‌های اجرا بازگرداند؟

بخش خصوصی جهت رونق و تشویق مردم برای سوق دادن به سالن‌های نمایش تأثیرگذار است ولی به نظر من در این زمینه بخش خصوصی و دولتی باید مکمل یکدیگر باشند تا نتیجه دلخواه حاصل شود. امکان دارد نمایش «اهمیت ارنست بودن» پس از اتمام دوره اول اجرا باز هم شاهد اجرای دیگری باشد؟

پس از پایان دوره اجرای ما در تماشاخانه ارغوان، امید است طی برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده این کار در اوایل سال آینده با ایجاد تغییرات و با شور و شوقی دوچندان دوباره میهمان نگاه تماشاکران عزیز باشد.

مدتی است فعالیت‌های حوزه نمایش به دلایل متعدد از روند اصلی خود فاصله گرفته، به عنوان کارگردانی که در این فضا یک اثر را روی صحنه برده‌است، به نظر‌تان چقدر طول می‌کشد شکوفایی اجرای نمایش‌ها را شاهد باشیم؟

متأسفانه در این دوره بر اثر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اولین گروهی که آسیب می‌بیند، قشر هنرمند بوده و آخرین گروهی که از این تلاطم خارج می‌شوند نیز هنرمندان هستند، شرایط اخیر ایجادشده در جامعه باعث شد مردم کمتر به فکر هنر و هنرمند باشند و این ما هستیم که باید جان دوباره به این فضا ببخشیم.

امیدوارم شرایط به سمتی سوق کند که مردم شور و شوق سابق خود نسبت به تئاتر را داشته باشند. صمیمانه از هنرمندان عزیز تقاضا دارم، با ایجاد فضاسازی‌های لازم زمینه را برای زنده نگه‌داشتن تئاتر فراهم کنند.

اجرای آثار کمدی فاختر، در ایجاد حس خوب در مخاطب چقدر نقش دارد؟

سلیقه شخصی من به عنوان کارگردان، کارها و نمایشنامه‌هایی است که بتوانند حال خوب را به تماشاکر القا کنند.

به نظر من نمایشنامه‌های کمدی در دوره ما برای تماشاکر بسیار لازم و ضروری است، ارزش کار و وظیفه ما به‌عنوان عضو کوچکی از خانواده هنرمندان و هنردوستان در این است که بتوانیم تماشاکر تئاتر را ترغیب به دیدن تئاتر کنیم. کمدی‌های کلاسیک هر عصر و هر کشور جزو میراث آن کشور است و باید حفظ شود.

من تا به امروز علاقه شخصی‌ام این بوده که متن‌هایی را انتخاب و کار کنم که بتوانم علاوه بر حفظ ارزش متن تماشاکر را با سبک کمدی‌های متفاوت آشنا کنم.

چه چیزی مرز بین کمدی‌ای که مخاطب را به تفکر وادار می‌کند با کمدی‌ای که صرف خنده گرفتن از مخاطب است، مشخص می‌کند؟

بخش عمده‌ای در این زمینه بر می‌گردد به متن نمایشنامه‌ای که قرار است کار شود. نمایشنامه‌ای بر پایه کمدی‌های مبتذل کار را راحت می‌کند و دست کارگردان و دراماتورژ را برای تغییر بازتر می‌گذارد ولی در کارهای کلاسیک و ادبی کار سخت‌تر است. مرز میان کمدی‌ای که صرفاً جهت خنده باشد و کمدی‌ای که تماشاکر را وادار به فکر کردن کند، این است که خط داستانی نمایشنامه اگر به گونه‌ای باشد که در همه لحظات و صحنه‌ها داستان و دیالوگ‌ها منسجم باشد و هر صحنه کاملاً مربوط به اتفاق آن لحظه باشد، تماشاکر علاوه بر خنده گرفتن خود کار وادار به تفکر می‌شود. ولی اگر کار دیالوگ‌های صرفاً خنده‌دار و بی‌ربط یا کم‌ربط به خط داستانی باشد، برمی‌گرددیم به بحث صرفاً خنده گرفتن.

سراغ متنی از اسسکار وایلد رفته‌اید، این متن چه ویژگی‌هایی دارد؟

در باره چرایی انتخاب این نمایشنامه و ژانر کمدی آن باید عرض کنم که این متن بسیار به سبک زندگی ما نزدیک است و من سعی کردم با توجه به پتانسیل این متن نهایت دقت و ظرافت را در اجرای این نمایشنامه داشته باشم. یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص این